



شبهه 26 آبان 1394 - 07:28

استارت آب آمریکایی ورود پنهان به عرصه اقتصاد

انتشار گزارش قبلی کیهان درخصوص افزایش نحوه عملکرد لابی نفوذی آمریکا در حوزه سایبر با هدف ایجاد انحصار فراملی اقتصادی بخشی از ردپای سرشاخه‌های این پروژه مهم را در داخل و خارج کشور آشکار ساخت، اما برای تصمیم‌سازی در این حوزه به نظر می‌رسد نیازمند تعمیق بیشتری هستیم.

دومین گزارش مستند کیهان از شبکه نفوذ

استارت آب آمریکایی ورود پنهان به عرصه اقتصاد

انتشار گزارش قبلی کیهان درخصوص افزایش نحوه عملکرد لابی نفوذی آمریکا در حوزه سایبر با هدف ایجاد انحصار فراملی اقتصادی بخشی از ردپای سرشاخه‌های این پروژه مهم را در داخل و خارج کشور آشکار ساخت، اما برای تصمیم‌سازی در این حوزه به نظر می‌رسد نیازمند تعمیق بیشتری هستیم. اصلی‌ترین سوالی که می‌کوشیم پاسخ آن را بیابیم این است که آیا شبکه نفوذ از توان ضربه زدن به «مردم» برخوردار است؟ تأثیرات نفوذ لابی مذکور در حوزه اقتصاد و زندگی مردم و ارتباط آن با آینده حاکمیت مردمی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ در خدمت وزارت خارجه آمریکا!

پیش از این از برگزاری دوره‌های «استارت اپ ویکند جهانی» در ایران با همکاری مشترک برخی سازمان‌های دولتی با حمایت گوگل و مجموعه‌ای از کلان شرکت‌های خارجی مرتبط از جمله؛ کوکاکولا، مایکروسافت و غیره خبر دادیم. سهم برخی مدیران با هویت آشکار در راه اندازی چرخه غیرملی اشتغال مبتنی بر فن‌آوری، به عنوان نیاز ضروری و منطقی کشوری که قریب به 48 درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی آن بیکار هستند، غیرقابل چشم پوشی است. به نحوی که گردشی در اخبار منتشر شده در این خصوص نشان می‌دهد دوره‌های استارت آب ویکند جهانی گوگل، از ابتدا با مشارکت رسمی و حضور آنها و سازمان‌های تحت مدیریتشان در میدان، برگزار شده است.

رسانه‌های زنجیره ای، تیم مذکور و حامیان جهانی اش را «خیرین توسعه‌ساز» معرفی می‌کنند که جان و سرمایه و آبروی خود را در راه آبادانی ایران به میدان آورده‌اند، اما آیا واقعا چنین است؟ گوگل از ایران چه می‌خواهد؟!

پشت بخش مهمی از تحولات فناورانه که از ایام فتنه 88 تاکنون در حوزه‌های مرتبط با ایران و کشورهای مسلمان خاورمیانه رخ داده نام «گوگل» قابل ردیابی است. درگیری مدیر مشهور بیلدبرگ این مجموعه- اریک اشمیت- با دولت کشورمان در حوزه «حاکمیت اینترنت» به حدی جدی است که وی در برابر انتشار خبر عادی «مذاکره وزارت ارتباطات با مدیران گوگل» درخصوص پذیرش قوانین فعالیت در ایران از جمله نحوه پرداخت مالیات و قوانین اخلاقی و اجتماعی ایرانی، رسماً به موضع‌گیری پرداخت و گفت: «ایران حقی برای مدیریت اینترنت ندارد.»

مدیران گوگل از یک طرف «گفتگوی سایبری ایران» را با حضور انواع شاخه‌های ضدانقلاب، اداره می‌کنند و در آن راه‌های مدیریت اجتماعات جوانان جویای کار ایرانی با قفل کردن چرخه ثروت و قدرت در دست خود را ارائه می‌دهند و از سوی دیگر شهر به شهر آزادانه در ایران با استفاده از مشاوران آموزش دیده از فرنگ برگشته، با حمایت رسمی لابی «ن.ج» در وزارت ارتباطات، تبلیغ کارآفرینی به شیوه آمریکایی می‌کنند! برخی تلاش‌های مذکور را در مسیر ایجاد «سیلیکون ولی» یا دره فناوری‌های ایرانی برمی‌شمارند اما سوال اصلی این است که خطر طرح مذکور چیست؟ فشار معیشتی با هدف تغییر سبک زندگی

بنا بر اطلاعات آشکار و اسناد بدست آمده، هدف گوگل به عنوان نهاد مجری سیاست‌های وزارت خارجه آمریکا این است که پس از ایجاد انحصار در حوزه «اشتغال جوانان» در ایران، شوک‌های اقتصادی بهنگامی با تهدید «ترک کشور» و به دنبال آن از دست رفتن موقعیت شغلی چند صد هزار جوان، به بازار و خانواده‌های ایرانی وارد کرده و مردم را به واسطه ایجاد بحران‌های معیشتی روزافزون و مقطعی، در مقابل حاکمیت قرار دهد. بهانه ایجاد شوک‌های مذکور می‌توان «تحمیل اصولی جدید به سیاست خارجی»، «تغییر قوانین سایبری»، «آزادی یک جاسوس دستگیر شده» یا حتی «تحرکات منطقه‌ای ایران» باشد! همچنین در بستر «اشتغال زایی» به واسطه شروط فعالیت شرکت‌های آمریکایی، زمینه ایجاد تغییرات متنوع در حوزه سبک

زندگی و نوع تفکر ایرانیان را فراهم خواهند ساخت.

این موضوعی است که پیش از این نیز تیم نمازی- خواجه پور به واسطه مدیریت بیش از صد هزار موقعیت شغلی در شرکت‌های خارجی فعال در ایران بر آن تکیه زده بودند و به واسطه تغییر تفکر مردم از آرمان سرمایه‌داری به سمت نسخه بومی اقتصاد ملی در پس زمینه انتخابات سال 88 از آن بهره بردند. به طور مثال پس از دستگیری «بیژن خواجه پور» در بازگشت از لندن در تابستان 88 به علت اقدام علیه امنیت ملی، خبرگزاری بلومبرگ از قول چند دیپلمات اروپایی- آمریکایی نوشت: «آیا ایرانیان نمی‌ترسند که به واسطه دستگیری خواجه پور، همه شرکت‌های خارجی فعال در ایران، این کشور را ترک کنند و جوانان ایرانی بیکار شوند؟» حقیقت این است که علی‌رغم موفقیت مردم در بازگرداندن امنیت پس از فتنه 88، کارشکنی اقتصادی وسیعی توسط عوامل همین شرکت‌های خارجی در کشور صورت گرفت که از جمله می‌توان به بحران ارز و طلا و تورم بالا اشاره کرد.

چرخه غیرملی و براندازی فناورانه

اریک اشمیت در کتاب «عصر جدید دیجیتال»، از اینترنت برای پیشبرد طرح «تشکیل سازمان کسب و کار» یا حلقه اشتغال مردمی، در جهت ایجاد تغییرات ژئوپلیتیک در کشورهای هدف نام می‌برد که پیش از این در وزارت خارجه آمریکا کلاسه شده است. وی همچنین در توصیه نامه کتاب «ویلیام دراپر» با نام «بازی استارت آپ‌ها: پشت پرده همکاری بین سرمایه‌گذاران و کارآفرینان» از ضعف خود برای اجرای چنین پروژه مهمی پرده بر می‌دارد.

در همایش «گفتگوی سایبری ایران» در بخش محرمانه که با مدیریت رسمی مدیران مشترک گوگل و بنیاد نیوآمریکا از جمله اریک اشمیت، مجموعه نایاک وابسته به وزارت خارجه آمریکا، هیفوس هلندی و تشکیلات نزار ذکا لبنانی، در اسفند 93 برگزار شد، رسماً از نقش استارت آپ ویکندهای گوگل به عنوان «پیش‌رانه اقتصادی ایجاد تغییر در جامعه ایران» نام برده می‌شود و گفتگویی ذیل عنوان «با توجه به فرصت‌ها و چالش‌های به وجود آمده در اکوسیستم فناوری ایران، چگونه می‌توان راهکارهای موثری برای تغییر ایران از مسیر فناوری تدوین کرد؟» برگزار می‌گردد.

نام شرکت کنندگان در پنل محرمانه همایش مذکور فاش نشده است اما جستجوهای کیهان نشان داد، صیانت از اسامی و حفظ محرمانگی گفتگوهای مطرح شده براساس قوانین «اندیشکده چتم هاوس» انگلیس صورت گرفته است. پس بخشی از همایش ایجاد «رونق اقتصادی» در ایران با هدف اعلام شده تبدیل ایران به دهکده فناوری‌های آینده و اشتغال‌آفرینی، موضوعی محرمانه و امنیتی برشمرده شده که سطح محرمانگی آن با درجه مباحثات امنیتی ضدحاکمیتی برابری می‌کند!

یک چهره آشنا در لیستی محرمانه!

یکی از شرکت کنندگان مهم در این گفتگوی محرمانه ماریچه اسخاکه، نماینده هلندی پارلمان اروپا است که پیش از این نوع پوشش غیرمحرمانه و خلاف عرف دیپلماتیک وی در سفر به ایران و دیدار با لاریجانی، خبرساز شده بود. اسخاکه، مبدع چندین طرح ابتکاری برای ترویج «آزادی‌های دیجیتال» به عنوان سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حوزه مبارزه با کشورهای خواهان سهم از «حاکمیت اینترنت» و از حامیان ایده دروغین و ضدحاکمیتی «اینترنت آزاد» است.

وی عضو هیئت مدیره مرکز اسناد حقوق بشر ایران نیز هست که مستقیماً توسط نایاک و با حمایت رسمی هیفوس هلند فعالیت می‌کند.

اسخاکه همچنین از مدیران «بنیاد اینترنت اروپا» و عضو کمیته راهبری «امنیت و آزادی در عصر دیجیتال» بنیاد نیوآمریکا است و از روابط نزدیکی با «نزار ذکا» برخوردار است. ذکا و اسخاکه هر دو همکار هیفوس و تشکیلات شاخه آمریکایی اجمع به شمار می‌روند و در کنفرانس‌های مشترک بسیاری برای تحقق اهداف حاکمیتی غرب در حوزه سایبر و اشتغال‌آفرینی هدفمند شرکت فعالانه داشته‌اند.

اسخاکه، مشاور سفیر آمریکا در هلند است که در سال 2014، همچون نزار ذکا و سیامک نمازی و برخی دیگر از فعالین در پرونده «اشتغال سایبری ایران» به عنوان «رهبر جوان جهانی» در تشکیلات «YGL» نایل شد و در سال ۲۰۰۷ به علت فعالیت هایش در حوزه حقوق بشر جایزه «بارنی کاربانک» را بدست آورد.

گوگل خصوصی یا کلینتون و اوباما؟

شکی نیست که «گوگل» در جهان برندی محبوب و جدا از دولت آمریکا محسوب می‌شود. با این احتساب حضور گوگل در ایران آن هم ذیل عنوان جذاب «کارآفرینی» نیز احتمالاً از جانب شما خواننده گرامی، «بی‌خطر» ارزیابی می‌شود... ادامه دهید:

اریک اشمیت عالی‌ترین مقام اجرایی گوگل، مشاور رسمی و حامی بزرگ اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بوده و هم اکنون عضو «شورای مشاوران رئیس‌جمهور در حوزه علوم و فن‌آوری» است.

یکی از زیرمجموعه‌های مهم این شرکت بزرگ، بخش «گوگل ایده» است که مدیریت آن برعهده «جرد کوهن» گذاشته شده است. همین بخش «ایده‌های گوگل» هم اکنون به صورت رسمی در ایران فعال است و به اصطلاح مشغول «کارآفرینی» است! کوهن مشاور کاندولیزا رایس و هیلاری کلینتون در دولت‌های جورج بوش و باراک اوباما بود و بلافاصله پس از آغاز «دیپلماسی دیجیتال» هیلاری کلینتون، همراه الک راس، دیگر مشاور اوباما، کرسی‌های مهم مدیریتی گوگل را در مجموعه اریک اشمیت عهده‌دار شدند.

آغاز دیپلماسی فناورانه

از سال 2009 راس و کوهن به عنوان مدیران مشترک وزارت خارجه آمریکا و گوگل با سفر به کشورهای نظیر عراق، روسیه، کنگو و هائیتی نمایندگی‌های غول‌های فناوری اطلاعات سیلیکون ولی دره تکنولوژی‌های نوین آمریکا- را در این کشورها دایر

کردند. به این ترتیب «سیلیکون ولی» که از ابتدا نیز به عنوان مجموعه‌ای نظامی در آمریکا متولد شد، در نقش تسریع‌کننده تغییرات اجتماعی-سیاسی با محوریت «اقتصاد مبتنی بر فن آوری» در خدمت نقشه‌های وزارت خارجه آمریکا شروع به کار کرد. از آن زمان این سفرها که به «Techdel» شهره شده‌اند بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده ارزیابی می‌شوند. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، تیم‌های گوگل وزارت خارجه آمریکا، در کشورهای هدف از مهندسين نرم‌افزار، کارآفرینان و مالکان صنایع و شرکت‌های پیشرو می‌خواهند تا راه‌های غیرعرفی برای توسعه دموکراسی و پیش‌برد امر توسعه در کشور پیدا کنند.

پرواضح است که در چنین پروژه‌های مفهوم «توسعه» با طرح «آبادانی» مشهور در کشورهای در حال توسعه یا فقیر تفاوت زیادی دارد و منظور از آن اجرای راهبردی واحد برای تثبیت «حاکمیت» سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا است. مدیران گوگل به راهبران تکنولوژی در آمریکا ماموریت دادند تا شبکه‌های حمایتی از کمپانی‌های نوپای «فن‌آوری اطلاعات» عراق را تاسیس کنند. اینجاست که سرشاخه‌هایی همچون نزار ذکا و سیامک نمازی و حمید بیگلری و کامران الهیان و سایر عناصر معتمد وزارت خارجه آمریکا که از اطلاعات میدانی در حوزه «شبکه‌سازی اجتماعی» برخوردارند به کار می‌آیند و در جایگاه خود قرار می‌گیرند.

فتح دیجیتال کره شمالی

اهمیت «تکنولوژی‌های مبتنی بر وب» و نقش آن در برآورده ساختن نیازهای ملی به حدی است که با گروگان‌گیری اولیه تحریمی و سپس حضور آشکار در میدان، سرسخت‌ترین حاکمیت‌ها را نرم خواهد کرد و «پروژه نفوذ» از همین دریچه مهم و ضروری آغاز می‌شود. به‌طور مثال در ژانویه 2013، اشمیت و کوهن، همراه با فرماندار سابق نیومکزیکو «بیل ریچاردسون» در بحبوحه روابط تیره و تار آمریکا و کره شمالی راهی این کشور شدند. دیپلماسی دیجیتال به کار آمد و در جریان سفر مشکوک مذکور قرارداد ساخت گوشی‌های هوشمند بومی کره شمالی، به نام Arirang که احتمالاً با استفاده از سیستم عامل گوگل آندروید کار می‌کند، منعقد شد!

راز سختگیری کشوری همچون «هند» بر گوگل و سایر غول‌های فناوری اطلاعات سیلیکون ولی با صرف هزینه بسیار برای جدایی از زیرساخت‌های به اصطلاح جهانی اما اختصاصی مذکور و سوئیچ بر مشابه بومی، در همین مسائل مهم و حیاتی در حوزه مدیریت اقتصادی است. در حالی که هند ذاتاً شریک منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به حساب می‌آید و از این منظر رقابتی در حوزه سیاست با آنها ندارد.

موفقیت‌های گوگل وزارت خارجه آمریکا

بلافاصله پس از اعلام غیررسمی طرح «دیپلماسی دیجیتال»، در مولداوی «انقلاب توییتری» شد. در جولای 2009، قطع منطقه‌ای اینترنت در چین اتفاق افتاد و سپس در ژوئن 2009 و در پی انتخابات ریاست جمهوری ایران، توانمندی گوشی‌های تلفن همراه و تکنولوژی ارتباطاتی به کار رفته در آنها در سازماندهی تحرکات اجتماعی و ثبت تصاویری نظیر مرگ «ندا آقاسلطان»، توجه جهان را به خود جلب کرد. در همان زمان مدیران نایاک، در کمپینی آمریکایی، گوگل و یوتیوب و سایر شرکت‌های فناورانه سیلیکون ولی را برای حمایت از «فتنه 88» به یاری طلبیدند و از وزارت خارجه آمریکا خواستند برای کمک به «ایجاد تغییرات سیاسی» در ایران «تحریم تکنولوژیک» ایران را متوقف کنند. این اتفاق به سرعت رخ داد و گوگل مجموعه‌ای از اپلیکیشن‌های تحریمی خود در ایران را با هدف کمک به «سرنوشت جمهوری اسلامی» آزاد کرد! کوهن در دیداری که در فوریه 2010 از یوتیوب داشت «ویدئوی مرگ مشکوک ندا آقاسلطان» در جریان فتنه 88 را روشن‌ترین نمونه «ویدئوهای ویروسی» دانست و تصریح کرد که یوتیوب از هر سیستم اطلاعاتی دیگری کارایی بیشتری دارد چرا که کاربران ایرانی خود ویدئوهای آن را تولید می‌کنند(!)

متنفذترین رقیب حاکمیت ملی

جولیان آسانژ مدیر و موسس پایگاه افشاگرانه ویکی لیکس، در کتاب «وقتی ویکی لیکس با گوگل دیدار می‌کند» می‌گوید: «آنچه می‌کوشم بگویم این است که دنیا در حال حاضر درگیر دگرگونی‌های خیلی عمیقی است و گوگل موسسه‌ای است که بیشترین نفوذ را بر عصاره این دگرگونی‌ها و شاید سرعت آن دارد. در میان موسسات ارتباطی گوگل مطلقاً متنفذترین در این پروسه است.»

او مستندات بسیاری در کتاب خود ارائه کرده که نشان می‌دهد، فناوری‌های سیلیکون ولی در خدمت سیاست خارجی ایالات متحده است و اریک اشمیت را مجری دیپلماسی مخفی وزارت خارجه آمریکا معرفی می‌کند. حلقه نفوذ را متوقف کنید!

با این احتساب حمایت رسمی از تیم بزرگی از مربیان «استارت آپ ویکند گوگل» در ایران که بعضاً حتی از قابلیت ارائه اطلاعات به زبان «فارسی» نیز برخوردار نیستند و پیش از این در مراکز ضد امنیتی همچون نایاک آموزش دیده‌اند، با چه عنوانی تحلیل پذیر است؟ آیا قابل باور است که عناصری همچون «لیلی. ص»، سیامک نمازی و نزار ذکا که از ارتباطات گسترده‌ای با نایاک برخوردارند، مستقیماً از بنیاد نیوآمریکا که مدیر پروژه «تغییرات سیاسی مبتنی بر اشتغال فن‌آورانه» است به صورت کاملاً اتفاقی راهی ایران شده‌اند و در اولین قدم، به سراغ شبکه اجتماعی قدیمی فعال در فتنه 88 شتافته‌اند؟! به اذعان صریح صندوق برداران راکفلر هزینه‌های طرح مذکور مستقیماً برعهده راکفلرهاست و حتی بنیاد نیوآمریکا و نایاک نیز از حمایت مالی همین صندوق برخوردارند.

برگزاری یک دوره استعدادیابی مبتنی بر فناوری یا «استارت آپ» با رویکرد ملی به حدی ساده است که واگذاری چنین پروژه‌ای به گوگل و نایاک و نیوآمریکا به هیچ عنوان توجیه پذیر نیست! چرا حلقه «ن.ج» به جای اشتغال آفرینی ملی در حوزه فناوری و کمک به تیم دکتر روحانی در مسیر بالا بردن آمار اشتغال فارغ التحصیلان بیکار ایرانی از سرمایه گذاران مشهور ایرانی که اتفاقاً بسیاری از آنها از حامیان دولت یازدهم به شمار می‌روند، استفاده نکردند؟! حمایت از امنیت اقتصادی مردم

این بخشی از همان دروازه نفوذی است که موجب شد رهبر انقلاب جمله مشهور « فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد» را بیان کنند. تعمیق در پروژه مذکور مشخص می‌کند، چگونه از دست رفتن حاکمیت جمهوری اسلامی در فضای سایبر می‌تواند منجر به از دست رفتن تمامیت نظام در فضای حقیقی شود و بحران‌های اقتصادی گسترده‌ای در زندگی مردم ایجاد کند. بی‌شک دستکاری بازار از مسیر تکنولوژی‌های نوین و تهدید حوزه اشتغال مردمی مخاطرات سنگینی را به مردم و کشور تحمیل می‌کند. چه کسی می‌تواند قول دهد، گروگان‌گیری معیشت، اشتغال و درآمدهای مردم به سرخوردگی جامعه و فروپاشی از درون منجر نشود؟ این وظیفه حاکمیت است که از مردم در برابر جدی‌ترین کارشکنی‌های اقتصادی احتمالی با هدف ایجاد تغییرات سیاسی حمایت و دفاع کند.

انقلاب اسلامی با پدیده‌ترین و پیچیده‌ترین حمله ساختاری به ارکان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود پس از انقلاب مواجه است، به همین جهت دشمن سعی دارد سطح این مبارزه را در حد و اندازه «درگیری‌های حزبی» تقلیل داده تا میزان خسارات وارده را کنترل کند. فراموش نکنیم ما همگی اعم از دولت و ملت در کنار یکدیگر «محکوم» به هوشیاری هستیم و قطعاً از کشف برنامه‌های آینده دشمن، صدمه نخواهیم دید.